

# علم أصول الفقه

۱۲

۹۲-۱۱-۱۶ روش شناسی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

• ۲. مورد دوم، تطبیق کبری بر صغری است.

• اگر بخواہیم کبرایی را بر صغری تطبیق نماییم، از برهان استفادہ می‌کنیم.

• مثالی کہ شہید صدر برای این مورد ذکر می‌کند، بحث مفہوم شرط است.

• در آنجا این سؤال مطرح است کہ آیا شرط مفہوم دارد و بہ انتفای شرط، تالی و مشروط منتفی می‌شود؟

## شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- این مقدار مسلم است که مشروط فی الجملة به انتفای شرط منتفی است. یعنی در این جمله که «اگر فردا برف نیارد، درس تعطیل است»، این مطلب واضح است که «اگر فردا برف نیارد در بعضی حالات درس تعطیل نخواهد بود»؛ اما آیا مفهوم جمله‌ی شرط مذکور این است که «اگر فردا برف نیارد، حتماً درس هست حتی اگر اتفاق‌های دیگری بیفتد»!!

## شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اگر چنین باشد، معنایش این است که انتفای تالی فقط و فقط متوقف بر انتفای این شرط است و اگر این شرط منتفی شود، تالی منتفی است، چه اتفاق دیگری بیفتد، چه نیفتد.
- پس در مثال مذکور، اگر فردا برف نیارد، حتماً درس هست، حتی اگر استاد زنده نباشد یا زلزله بیاید یا جنگ جهانی صورت گیرد و....

## شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

- از این مفهوم به مفهوم کلی یاد می‌کنیم و معنای کلی این است که با انتفای شرط، تالی به نحو کلی منتفی است و هیچ شرط جایگزین دیگر وجود ندارد.
- پس سؤال این است که آیا جمله‌ی شرط چنین مفهوم کلی را دارا است؟

## شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اینجا است که اصولی‌ها گفته‌اند:
- وقتی جمله‌ی شرط چنین مفهومی را دارد که ما بتوانیم حصر را از آن استفاده کنیم.
- یعنی مثلاً در مثال مذکور دریابیم که تنها شرط تعطیلی کلاس درس، فقط و فقط بارش برف است و هیچ چیز دیگر منشأ آن نیست.

## شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

- در نظر اصولی‌ها عمدہ دلیل اثبات حصر در جملہی شرط، استفادہ از اطلاق است.
- اطلاق جملہی شرط اقتضا می‌کند کہ مقدم (شرط) تنها شرط تحقق مشروط باشد؛ اگرچہ موضوع لہ جملہی شرط یعنی آنچه جملہی شرط برای آن وضع شدہ، چنین دلالتی را ندارد.

## شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اما همان طور کہ در جای خودش معلوم گردیدہ، برای تحقق اطلاق، مقدمات حکمت لازم است. زیرا اطلاق، دلالت سکوت است، نہ دلالت سخن و از آنجا کہ سکوت فی حد نفسہ هیچ دلالتی ندارد، اطلاق، دلالت سکوت است در شرایط خاص. اصولی‌ها از آن شرایط بہ مقدمات حکمت تعبیر می‌کنند.



## شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

- پس در اینجا اصولی باید کشف کند کہ جملہی شرط از صغریاتِ مقدمات حکمت است و آن کبری یعنی مقدمات حکمت بر این مورد یعنی جملہی شرط تطبیق می نماید. شہید صدر معتقد است با برہان می توان بہ چنین چیزی پی برد. بنابراین جملہی شرط بہ اطلاق دلالت بر حصر دارد.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- دقت کنید نسبت به بحث شهید صدر، یک اشکالی وارد است که اشکالی عمومی است و ربطی به مورد خاص ندارد. این اشکال همان است که کمی قبل به آن پرداختیم.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- گفتیم: شهید صدر فرمود ما در مباحث الفاظ دو رویکرد داریم:
- ۱. رویکرد تفسیری ۲. رویکرد کشفی و برهان یکی از ابزارهایی است که ما در رویکرد کشفی از آن بهره می‌گیریم.
- حال سؤال مطرح در اینجا این است که چگونه ممکن است با برهان در مباحث الفاظ، رویکرد کشفی داشته باشیم و از برهان برای کشف معانی الفاظ استفاده کنیم؟
- وضع امری اعتباری است و هیچ‌گونه ضرورت عقلی بین معنا و لفظ وجود ندارد. پس قاعدتاً استفاده از برهان ممکن نیست.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- در آنجا - یعنی در مورد اول شهید صدر - پاسخ دادیم که استفاده از برهان در این حوزه از آن حیثی است که اعتبار یک حقیقت است و احکام حقیقت را دارا است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- پس در مورد اولی که شهید صدر ذکر نمود - یعنی نفی یکی از معانی محتمل - استفاده از برهان امکان دارد؛ زیرا در این صورت ناظر به حقیقت هستیم؛ نه اعتبار از آن جهت که اعتبار است.
- بنابراین فرمایش شهید صدر را نسبت به مورد اول می‌پذیریم.
- اما نسبت به مورد دوم - یعنی پیدا کردن صغریات یک کبری و یا به تعبیر دیگر تطبیق کبری بر صغری - چطور؟

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- نسبت به مورد دوم دو اشکال وارد است:
- یکی از آنها یک اشکال عمومی است که اختصاص به مباحث الفاظ ندارد و یک سؤال عام است. آن سؤال این است: آیا اصلاً می‌توان از طریق برهان، تطبیق کبرایی را بر صغرای اثبات نمود؟ آیا تطبیق امری است که با برهان قابل اثبات است؟

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- می‌دانیم برهان یک قیاس است که از مقدمات خاصی تشکیل شده است و واضح‌ترین قیاس که انتاجش ضروری است، قیاس شکل اول است. فرض کنید در مثال معروف «سقراط انسان است. هر انسانی فانی است. پس سقراط فانی است»، ما در مصداقیت سقراط برای انسان تردید داشته باشیم و ندانیم آیا واقعاً سقراط انسان است یا خیر؟

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- در این صورت وقتی می‌توانیم از برهان برای تطبیق کبری بر صغری بهره‌گیریم که ثبوت کبری (انسان) بر صغری (سقراط) بدیهی نباشد و نیاز به واسطه‌ای داشته باشد. قهراً در این موضع اگر برهانی از شکل اول قیاس داشته باشیم، انسان برای آن واسطه ثابت است و واسطه برای سقراط. در نتیجه انسان برای سقراط ثابت خواهد بود. پس اگر فرضاً سخنگو بودن (ناطق) واسطه باشد، می‌گوییم: «سقراط ناطق است، هر ناطقی انسان است. پس سقراط انسان است.»



نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- این سیر تا جایی قابل پیشرفت است که ثبوت محمول برای موضوع بدیهی باشد و دیگر نیازی به واسطه نداشته باشد.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- حال اگر مقصود از تطبیق کبری بر صغری از طریق برهان، همین باشد که عرض شد، امری ممکن خواهد بود. ما تا جایی که ثبوت محمول برای موضوع بدیهی نباشد، می‌توانیم از طریق اقامه‌ی قیاس برهانی، ثابت کنیم که موضوع مصداقی از محمول است و محمول برای موضوع ثابت است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- البته ما باید به جایی منتهی شویم که ثبوت محمول برای موضوع بدیهی است. در آن صورت دیگر واسطه‌ای وجود ندارد و قابل برهان هم نیست. چرا که اگر به اینجا منتهی نشویم، در واقع معنایش این است که ما هیچ گاه متوقف نخواهیم شد و برای این که به یک مطلب علم پیدا کنیم باید به بی‌نهایت قضیه قبل از آن عالم باشیم و چنین چیزی ممکن نیست.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- بنابراین آن اشکال عمومی مبنی بر این که چگونه ممکن است در یافتن مصادیق از برهان استفاده کنیم، تا این حد قابل پاسخ است که اگر ثبوت محمول برای موضوع بدیهی نباشد، می‌توانیم از طریق اقامه‌ی قیاس و پیدا کردن واسطه‌ی ثبوت محمول برای موضوع، این کار را انجام دهیم.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اشکال دوم، اشکالی است که به مباحث الفاظ اختصاص دارد و خود شهید صدر نیز به آن پرداخته است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- آن اشکال چنین است: ادعا شده است که از طریق برهان می‌توان ثبوت کبرایی مثل «مقدمات حکمت» را بر صغرای مثل «جمله‌ی شرط» اثبات نمود. در حالی که اگر مفهوم جمله‌ی شرط در نظر عرف واضح باشد، معلوم است که جمله‌ی شرط چه مدلولی دارد. همچنین معلوم است که مصداق و صغرای چنین کبرایی هست یا خیر. یعنی اگر عرف معنای جمله‌ی شرط را می‌داند، قهراً این مطلب نیز که آیا جمله‌ی شرط از صغریات مقدمات حکمت و اطلاق است یا خیر، برای او معلوم است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اما اگر معنای جمله‌ی شرط برای عرف معلوم نیست و در نتیجه عرف نمی‌داند که مقدمات حکمت و اطلاق در آنجا وجود دارد یا خیر، دیگر نمی‌توان از طریق برهان ثابت نمود که مثلاً جمله‌ی شرط از صغریات مقدمات حکمت است؛ بلکه باید از طریق تبادر، معنای جمله‌ی شرط را کشف کنیم. تا وقتی که از طریق تبادر معنای آن را کشف نکردیم، این مطلب که آیا از صغریات آن کبری هست یا نه، برای ما آشکار نمی‌شود. و وقتی هم از طریق تبادر معنا را کشف نماییم، مطلب فوق، معلوم است و دیگر فهمیدن آن متوقف بر برهان نیست.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- خلاصه آن که در مباحث الفاظ، مجالی نمی‌یابیم که در آن از طریق برهان صغرای یک کبری را بیابیم و یا صغری بودن چیزی را برای کبرایی اثبات کنیم. زیرا یا معنای آن صغری معلوم است و یا نیست.
- اگر معلوم است، صغری بودن یا صغری نبودنش هم معلوم است و نیاز به برهان ندارد.
- اگر معلوم نیست، باید به تبادل مراجعه کنیم. وقتی با تبادل معنایش را معلوم کردیم، صغری بودن و نبودنش هم معلوم می‌شود و باز هم نیاز به برهان ندارد.



نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر در پاسخ به این اشکال می‌گوید: در بعضی موارد این مطلب درست است. یعنی در بعضی موارد علت شک عرف در این که آیا یک چیز از صغریات یک کبری هست یا خیر، این است که معنا برایش معلوم نیست و ابهام دارد. در واقع عرف در مصداق شک می‌کند، به دلیل این که معنا مبهم است. این ابهام با تبادل رفع می‌شود و نیازی به برهان نیست.
- اما این مطلب در همه‌ی موارد این چنین نیست. در بعضی موارد در عین حال که معنا واضح است و ابهام معنایی وجود ندارد، عرف در مصداق بودن یک چیز شک می‌کند.

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر برای هر دو مورد مثال می‌زند. برای مورد اول بحث دلالت صیغهی امر بر وجوب را انتخاب می‌کند و می‌گوید: ممکن است عرف در این که صیغهی امر بر وجوب مثلاً دلالت دارد نه بر استحباب شک کند که آیا این دلالت به اطلاق است یا خیر؟ امکان دارد منشأ این شک، ابهام در معنای وجوب و استحباب باشد. مثلاً عرف نمی‌داند که استحباب طلب مقید است و وجوب طلب مطلق. چون معنا را نمی‌داند، در نتیجه با این شک مواجه می‌شود که آیا دلالت امر بر وجوب اطلاق است یا خیر؟ در حقیقت او نمی‌داند تفاوت بین معنای وجوب و استحباب به اطلاق و تقیید است یا به چیز دیگر، مثل این که هر دو مقید باشند با دو قید متفاوت.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- در اینجا از طریق تبادل معنای وجوب و معنای استحباب را روشن می‌کنیم و از آن طریق اثبات می‌نماییم که چون وجوب طلب مطلق است و استحباب طلب مقید، پس اقتضای اطلاق امر که دلالت بر طلب می‌کند، این است که این طلب، طلب وجوبی باشد.

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر برای مورد دوم، مفهوم شرط را مثال می زند. می گوید: برای عرف معنای جمله‌ی شرط معلوم است. او می داند که بین شرط و تالی ارتباطی وجود دارد و مدلول جمله‌ی شرطی هم بیان همین رابطه بین مقدم و تالی است و این ارتباط به گونه‌ای است که انتفای مقدم در انتفای تالی نقش دارد.
- اما در دلالت جمله‌ی شرطیه بر حصر تردید دارد. یعنی نمی داند که آیا اگر مقدم منتفی شود، تالی هم حتماً منتفی می شود و هیچ شرط جایگزین دیگری وجود ندارد؟ یعنی با این که عرف معنای جمله‌ی شرط را می داند، در دلالت آن بر حصر تردید دارد.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر می‌گوید: در اینجا ظاهر جمله‌ی شرط یعنی ظهور و تبادل را داریم اما برای عرف این نکته را مطرح می‌کنیم که ظاهر جمله‌ی شرط موضوعیت شرط است برای جزایا به بیان دیگر موضوعیت مقدم است برای تالی.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اگر جمله‌ی شرط به اطلاقش بر حصر دلالت نکند، موضوعیت جمله‌ی شرط که ظاهر آن است، منتفی می‌شود.
- در این صورت اینطور نیست که برای تحقق این جزا، تحقق این شرط موضوعیت داشته باشد؛ بلکه ممکن است در حالی که این شرط منتفی است، با شرط جایگزین دیگری همین جزا تحقق پیدا کند.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اگر بخواهیم فرموده‌ی شهید صدر را در مثالی که قبلاً آوردیم پیاده کنیم، چنین می‌گوییم: جمله‌ی شرطی «اگر فردا برف بیارد، درس تعطیل است» رابطه‌ای را بین «بارش برف» و «تعطیلی درس» بیان می‌کند و این معنا معلوم است که این شرط یعنی «بارش برف» در این جزا یعنی «تعطیلی درس» دخالت دارد و در آن بحثی نیست.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- حال اگر جمله‌ی شرطی مفهوم داشته باشد، باید بر این که تنها علت تعطیلی درس، بارش برف است، دلالت کند. محل بحث نیز همین جا است.



نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- این مفهوم به اطلاق فهمیده می‌شود و برای اثبات این مطلب که اطلاق اقتضای حصر را در جمله‌ی شرطی دارد، می‌گوییم:
- ظاهر هر لفظی که در یک بیان قرار می‌گیرد، این است که مفهومی در آن مطلب دخالت دارد و صرفاً بیان نوعی مثال یا تأکید نیست. پس بارش برف برای تعطیلی درس موضوعیت دارد.
- اگر بنا باشد وقتی برف نمی‌بارد، باز هم درس تعطیل شود، معنایش این است که بارش برف برای تعطیلی درس موضوعیت نداشته و چیز دیگر هم می‌تواند موجب تعطیلی درس شود.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- بنابراین با توجه به این که ظاهر بیان، موضوعیت شرط است، اثبات می‌کنیم که اقتضای این ظاهر با توجه به مقدمات حکمت این است که هیچ شرط جایگزینی وجود ندارد.
- شهید صدر با ذکر مفهوم شرط به عنوان مثال برای مورد دوم نتیجه می‌گیرد که مواردی در اصول وجود دارد که معنای مرتکز آنها معلوم است و عرف در ارتکازات خود در آن موارد با مشکلی روبه‌رو نیست؛ اما در عین حال خفایی از این جهت که آیا این معنای مرتکز، مصداق فلان کبری هست یا خیر، وجود دارد. راه اثبات این مصداقیت برهان است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اما آیا واقعاً آنچه شهید صدر در اینجا (یعنی در این مورد دوم) بیان می‌کند، برهان است؟ بر طبق آنچه کمی قبل بیان کردیم اگر واقعاً بخواهیم از طریق برهان، مصداقیت چیزی را برای چیزی ثابت کنیم، باید بین آن دو واسطه‌ای باشد که ما از طریق ثبوت آن واسطه برای یکی از آنها (صغری) و ثبوت دیگری (کبری) برای واسطه، ثبوت کبری را برای صغری ثابت نماییم. بنابراین آنچه شهید ذکر نموده، از مصادیق دقیق این معنا نیست.

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- یادآوری می‌شویم که این مطلب در تقریرات آقای هاشمی (بحوث فی علم الاصول) ذکر شده است و از بحث‌هایی است که شهید صدر در دوره‌ی دوم علم اصول مطرح کرده‌اند و البته ممکن است از مطالبی باشد که بعد از تقریر کتاب و عرضه‌ی آن به شهید صدر، شهید صدر به کتاب اضافه نموده باشد.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- توضیح آن که: جلد اول تقریرات آقای هاشمی با نظارت مستقیم خود شهید صدر نوشته شده است. برخی از مطالب آن، مباحثی است که خود شهید در دوره‌ی دوم اصولش در هنگام عرضه‌ی مطلب به شاگردان بیان نموده و برخی دیگر مطالبی است که در هنگام آماده شدن کتاب، شهید به کتاب اضافه نموده است. بنابراین این مطلب جزو درس نبوده، نه در دوره‌ی اول و نه در دوره‌ی دوم. بلکه مطالبی است که شهید بعد از تقریر کتاب توسط مقرر به کتاب افزوده است.
- ر.ک: سید محمود هاشمی بحوث فی علم الاصول، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- بعدها روش شهید صدر را در این بحث بیان خواهیم نمود.
- معمولاً کاربرد روش‌های عقلی در مباحث الفاظ و بحث‌های لغت شناسانه نفی می‌شود. به طور مثال نمی‌توان گفت: سراب به معنای بالای آب است؛ چون سر به معنای بالا و آب به معنای مایع به خصوص است و سراب ترکیبی از آن است. زیرا بسیار اتفاق می‌افتد که یک لفظ که از دو لفظ دیگر ترکیب شده است، برای معنایی وضع شود که با معانی آن دو لفظ دیگر کاملاً فرق دارد. بنابراین کاربرد منطق و استدلال‌های عقلی برای چیزی که عقلی نیست، غلط است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر در بحث صحیح و اعم این استدلال را رد می‌کند. وی معتقد است می‌توان بین افراد صحیح جامعی تصور کرد.
- یادآور می‌شویم که این توضیحات را ما در اینجا می‌افزاییم و این مطالب در تقریرات درس شهید نیامده است. شهید صدر فقط مثال را ذکر کرده‌اند.

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

• به برخی نسبت داده‌اند که وضع الفاظ برای معانی قراردادی نیست و خود الفاظ و معانی یک ارتباط واقعی و تکوینی دارند. اما معلوم نیست این نسبت صادق باشد. اگر هم این قول، قایلی داشته باشد، قول بسیار بسیار ضعیفی است. هیچ کس حتی بر این اعتقاد هم نیست که وضع الفاظ برای معانی ریشه‌ای در واقعیت داشته باشد - یعنی مثلاً اعتباری نفس الامری باشد - چه رسد به این که ارتباطی واقعی و حقیقی بین آنها برقرار باشد و تقریباً این مطلب که وضع الفاظ برای معانی یک امر اعتباری محض است، بین همه متسالم علیه است و همه بر آن اتفاق دارند. بنابراین همه‌ی الفاظی که هم اکنون در زبان فارسی مثلاً برای معنایی وضع شده‌اند، می‌توانند جابه‌جا شوند و هر یک برای معنایی دیگر وضع شوند، همان گونه که ممکن است یک سری الفاظ دیگری جایگزین این الفاظ شوند و این الفاظ کاملاً کنار گذاشته شوند.



نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- مفاد اطلاق این است که می‌گوییم: متکلم نگفت، پس اراده نکرد. در حالی که در دلالت‌های متعارف می‌گوییم: متکلم گفت: پس اراده کرد. در دلالت‌های متعارف، دلالت، دلالتِ سخن است.

نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- فرق عموم با اطلاق هم در همین است. در عموم، سخن دلالت بر شمول دارد، در اطلاق، سکوت دلالت بر شمول دارد. همین طور در عموم، سخن دلالت بر بدلیت دارد، در اطلاق، سکوت دلالت بر بدلیت دارد. بنابراین اگر در فارسی با لفظ «هر»، عموم بدلی را برداشت می‌کنیم و در واقع برای افاده‌ی عموم بدلی از موضوع له لفظ «هر» بهره می‌گیریم، در اطلاق لفظی نداریم که موضوع له آن بدلیت باشد. این سکوت است که در یک حالت خاصی بر بدلیت دلالت می‌کند و اطلاق بدلی را می‌رساند. با این وصف از اطلاق که دلالت سکوت است، گاهی شمول فهمیده می‌شود و گاهی بدلیت.

## نقد بیان شهید صدر در استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- ناگفته نماند که فهم اطلاق برای فقیه، یک بحث بسیار جوهری و اساسی است. بسیاری از آنچه را که فقیه به آن فتوی می‌دهد، مستند به اطلاق است. زیرا میزان گفته‌های شارع در مقابل نگفته‌هایش ناچیز است. شارع مطلبی را بیان کرده و به قیود مختلفی که می‌شده برای آن تصور کرد، اشاره‌ای ننموده است. فقیه از این نکته که شارع به قید و حالت خاصی اشاره نکرده، استفاده می‌کند که در تمام این حالات حکم ساری و جاری است.
- این بحث همان مطلبی است که در بحث‌های نظری و بدیهی مطرح می‌شود.
- مفهوم به مبنای لغوی نه مفهوم به معنای مصطلح علم اصول.
- تبادر طریق دیگری است که شهید صدر در کنار طریق برهان برای رویکرد کشفی ذکر نموده است.
- واضح است که ما در این مجال قصد نداریم به معنای صیغهی امر بپردازیم. بحث مفصل در مورد این مطلب در مباحث الفاظ خواهد آمد. در آنجا خواهیم گفت که در مورد علت دلالت صیغهی امر بر وجوب سه احتمال وجود دارد که هر یک از آن احتمالات قایل هم دارد. آن سه احتمال عبارتند از: ۱. دلالت صیغهی امر بر وجوب به وضع است. ۲. دلالت صیغهی امر بر وجوب به اطلاق است. ۳. دلالت صیغهی امر بر وجوب به حکم عقل است. احتمالی که شهید صدر در مثال خویش بیان می‌کند، دومی است.
- یادآور می‌شویم که بحث دلالت جمله‌ی شرط بر حصر از اساسی‌ترین بحث‌های مفهوم شرط است؛ چرا که اگر جمله‌ی شرط دلالت بر حصر نکند، اصلاً مفهوم شرط نخواهیم داشت. آنهایی هم که مدعی مفهوم شرط هستند، باید حصر را اثبات کنند.
- ۱۶۵) در بحث مفهوم شرط خواهیم گفت که ما این استدلال و استدلال‌های دیگر را در این زمینه نمی‌پذیریم و به همین جهت قایل به مفهوم شرط نیستیم. البته شرط یک مرتبه‌ای از مفهوم را که به آن مفهوم جزئی می‌گویند، دارا است. اما آن مفهومی را که در اصول مطرح است و از آن به مفهوم کلی تعبیر می‌کنند، اصلاً ندارد و از این جهت همانند جمله‌ی وصفی است. در نظر اصولی‌ها جمله‌ی وصفی مفهوم ندارد؛ اما در عین حال آنها قبول دارند که جمله‌ی وصفی از مفهوم جزئی برخوردار است.
- البته این مطلب را ان شاء الله باید در جای خودش بررسی کنیم. چون خیلی از مواردی که شهید صدر نام برهان بر آنها گذارده، برهان به معنای واقعی کلمه نیستند و فقط تنبیه بر بدیهی‌اند.